

History curriculum and its role in shaping students' beliefs and thoughts about their country's national identity and culture

1) Meysam Soleymani* 2) Eftekhar Gasemzadeh

- 1) Graduate Master, Department of History of Culture and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Sciences and Research Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
- 2) Graduate Master, Department of History of Culture and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Sciences and Research Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

(Received: 6 February, 2023; Accepted:13 March, 2023)

Abstract

History is derived from the experiences of the past and it is considered one of the best tools for the education of a person. The education that is obtained from the study of history is very useful and effective, and perhaps it can be said that the most important result that comes from the study of history and correct thinking and education. It is acquired, it is education. History can lead to the emergence and development of understanding about human cultural heritage and a basis for identifying the culture, art and past lives of others, one of the basic tasks of teaching history in schools is that it strengthens patriotic interest and the formation of national identity. Familiarize students with their ethnic and patriotic past. The history lesson includes the history of a nation and the developments that have happened on their land. All people love their homeland and love it. Historical heritage and cultural honors, celebrities and fields of effort and sacrifice are considered as values for all the people of a country. All these features make the ethnic and national memory and identity of a nation. Therefore, the history lesson plays a very important role in shaping the identity of a nation and keeping alive the love and passion for the country, preparing to sacrifice for the cause of this country and accepting to serve the countrymen. Since the history curriculum plays a key role in the formation of the identity and unity of the people of a nation, the necessity of its education in order to achieve this important matter is not hidden from anyone. Therefore, it is necessary to research the teaching of the history curriculum from different perspectives. This research is also conducted in the same direction and its purpose is to examine the role of history curriculum in shaping the beliefs and thoughts of students regarding the identity and national culture of their country through a descriptive-analytical method and relying on library resources.

Keywords: history curriculum, national identity and culture, students, education

* Corresponding Author, Email: meysamsoleymani82@gmail.com

DOR: [20.1001.1.28211014.1401.3.4.2.6](https://doi.org/10.1001.1.28211014.1401.3.4.2.6)

برنامه درسی تاریخ و نقش آن در شکل‌دهی باورها و افکار دانش‌آموزان نسبت به هویت و فرهنگ ملی کشورشان*

(۱) میثم سلیمانی* (۲) افتخار قاسم‌زاده

(۱) دانش آموخته کارشناسی ارشد

گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

(۲) دانش آموخته کارشناسی ارشد

گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

(تاریخ دریافت: ۶ اسفند ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۲۲ اسفند ۱۴۰۱)

چکیده

تاریخ نشأت گرفته از تجربیات گذشتگان است و یکی از بهترین ابزار برای تربیت فرد به شمار می‌رود تربیتی که از مطالعه تاریخ به‌دست می‌آید بسیار مفید و مؤثر است و شاید بتوان گفت مهم‌ترین نتیجه‌ای که از مطالعه تاریخ و تفکر و آموزش صحیح آن به‌دست می‌آید، تربیت است. تاریخ می‌تواند موجب پیدایش و پیشرفت تفاهم درباره‌ی موارث فرهنگی بشر و زمینه‌ای برای شناسایی فرهنگ و هنر و زندگانی گذشته‌ی دیگران باشد، یکی از وظایف اساسی آموزش تاریخ در مدارس آن است که موجب تقویت علاقه میهنی و شکل‌گیری هویت ملی شده و دانش‌آموزان را با سنن گذشته‌ی قومی و میهنی‌شان آشنا سازند. درس تاریخ در بردارنده‌ی سرگذشت یک ملت و تحولاتی است که بر سرزمین آن‌ها گذشته است همه‌ی انسان‌ها وطن خویش را دوست دارند و بدان عشق می‌ورزند. میراث‌های تاریخی و افتخارات فرهنگی، مشاهیر و عرصه‌های تلاش و فداکاری برای تمامی افراد یک کشور به‌عنوان ارزش به‌شمار می‌آیند تمام این ویژگی‌ها است که خاطره قومی و ملی و هویت یک ملت را می‌سازد. بنابراین درس تاریخ نقش بسیار مهمی در شکل دادن به هویت یک ملت و زنده نگه داشتن عشق و علاقه به میهن، آمادگی برای فداکاری در راه این کشور و قبول خدمت به هموطنان را ایفا می‌کند. از آنجا که برنامه‌ی درسی تاریخ نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت و وحدت افراد یک ملت دارد، ضرورت آموزش آن جهت دستیابی به این امر مهم بر کسی پوشیده نیست. براین اساس ضروری است که آموزش برنامه درسی تاریخ از مناظر گوناگون مورد پژوهش قرار گیرد. این پژوهش نیز در همین راستا انجام می‌گیرد و هدف آن بررسی نقش برنامه درسی تاریخ در شکل‌دهی باورها و افکار دانش‌آموزان نسبت به هویت و فرهنگ ملی کشورشان به روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: برنامه درسی تاریخ، هویت و فرهنگی ملی، دانش‌آموزان، آموزش و پرورش.

* نویسنده مسنول، رایانامه: meysamsoleymani82@gmail.com

*

۱. مقدمه

درس تاریخ به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین دروس آموزش و پرورش از جایگاهی خاص در شکل‌دهی به باورها و افکار دانش‌آموزان برخوردار است. آشنایی دانش‌آموزان با تاریخ ملی و هویت ملی خویش باعث بالا رفتن درک آن‌ها نسبت به مباحث و موضوعات ملی خود و به‌علاوه موجب شکل‌گیری وحدت، یکپارچگی و انسجام ملی خواهد شد. نگرشی که فرد به ویژگی‌هایی دارد که او را از افراد سایر ملل و اقوام متمایز می‌کند، در تاریخ مشترک هر ملتی جزء مواریث مهم تلقی می‌شود. در این میان شناخت گذشته تاریخ و مواریث یک ملت می‌تواند تأثیر بسزایی در حفظ هویت و فرهنگ آن ملت داشته باشد. بنابراین لازم است این شناخت در ابعاد گوناگون فرهنگی و هویتی به‌گونه‌ای انجام پذیرد که آینده‌سازان یک مرز و بوم مصادیق فردی و اجتماعی و پایبندی به حفظ و حراست از آن‌ها را نگاه ارزشی و هویتی قلمداد کنند تا فرهنگ‌های تازه‌ی پدید آمده در جهان توانایی جرح و تعدیل یا حذف آن را نداشته باشند. در این میان، نقش کتاب‌ها و برنامه‌های درسی، به‌ویژه مسئولیت‌های واگذار شده به معلمان در نظام آموزشی هر کشور، و همچنین دیدگاهی که اولیا نسبت به جایگاه و ارزش درس تاریخ دارند اساسی و زیربنایی خواهد بود؛ زیرا در طراحی مباحث و موضوعات مورد نظر و هدایت‌گری معلم و تشویق والدین است که دانش‌آموزان این نوع آگاهی را کسب می‌کنند از این رو «یادگیری تاریخ می‌تواند به هویت فرهنگی به‌ویژه ایجاد وحدت ملی در کشور ما کمک کند» (احمدی، ۱۳۸۰). در این راستا کتاب‌های درسی و به‌ویژه محتوای آن‌ها به‌عنوان ابزاری جهت شکل‌گیری هویت فردی و ملی دانش‌آموزان استفاده می‌شود.

تاریخ هر ملتی، نمادی از هویت آنان است که در شکل‌گیری شخصیت و هویت جوانانش نقش اساسی خواهد داشت ملتی که به تاریخ خود بها دهد و جوانان را با فرهنگ و تمدن خود آشنا کند، بی‌شک در مواجهه با تهاجمات فرهنگی خود باخته نمی‌شود و به جای تأثیرپذیری از فرهنگ‌های بیگانه بر آنان تأثیر خواهد داشت. این اصالت فرهنگی با آموزش درست درس تاریخ برای دانش‌آموزان حاصل خواهد شد. تاریخ به‌عنوان معلم عقل و احساس نقش مهمی در حیات جامعه بازی می‌کند. اطلاعات تاریخی یکی از مهم‌ترین ابعاد درک و فهم اجتماعی است که بدون آن انسان نمی‌تواند به کمال برسد. تاریخ با ذکر حقایق بزرگ، سرنوشت‌ها و سرگذشت‌های شگفت‌انگیز و موفقیت‌ها فرصت مغتنمی را در اختیار خواننده می‌گذارد تا از آن‌ها بیاموزد. از آنجا که وسیله اصلی اشتغال مواریث ملی و افتخارات گذشتگان و آگاهی بر سرگذشت پدران علم تاریخ است لذا درس تاریخ نقش بسیار مهمی در شکل دادن به هویت یک ملت و زنده نگه داشتن عشق و علاقه به میهن، آمادگی برای فداکاری در راه این کشور و قبول خدمت به هموطنان را ایفا می‌کند (خیراندیش، ۱۳۸۴). با این اوصاف این پژوهش از بعد نظری به اهمیت و جایگاه تاریخ و نقشی که در شکل‌دهی هویت دانش‌آموزان دارد توجه می‌کند چرا که هر چقدر افراد یک جامعه با هویت ملی خود بیشتر آشنا باشند آن جامعه کمتر در مقابل تهاجمات بیگانه مغلوب خواهد شد.

۲. تاریخ و جایگاه آن

به مجموعه حوادث و رویدادهایی که به دست انسان‌های پیشین انجام شده، تاریخ می‌گویند. این حوادث می‌توانند از نوع سیاسی، نظامی، فرهنگی باشند. تاریخ به معنای متعارف به معنای سرگذشت گذشتگان و یا به عبارت ساده‌تر سرگذشت انسان در طول زمان است. در زبان عامه تاریخ را شرح و وصف وقایع گذشته می‌دانند، هنگامی که امری زمانش منقضی می‌گردد و به گذشته تعلق یافت در زمره تاریخ قرار می‌گیرد (درانی، ۱۳۸۷، به نقل از مهدی زاده، ۱۳۸۵). تاریخ آیین گذشتگان است و آنچه در تاریخ هر ملتی دیده می‌شود، قطعاً نشانی از ارزش‌ها و هنجارهای آن ملت دارد که شاکله وجودی آن محسوب می‌شود. در تأیید این نکته خیراندیش آورده است: «تاریخ هر ملتی، بخشی مهم از هویت و موجودیت آن ملت به شمار می‌آید؛ بخشی حساس و سرنوشت ساز، آنچنان که انکار آن به هیچ وجه امکان پذیر نیست» (خیراندیش، ۱۳۸۴). بنابراین توجه ویژه به تاریخ و پاسداری از آن نیازمند شناخت و درک صحیح از تاریخ است. زرین کوب نیز به این نکته با عنوان «فایده آشنایی با تاریخ» توجه می‌کند و می‌نویسد: در واقع آشنایی با تاریخ انسان را از بسیاری از فریب‌های حقارت‌آمیز و دلخوشی‌های بی‌حاصل نگه می‌دارد و نگاه انسان را قدرت تعمق می‌بخشد و در ورای حوادث، آنجا که چشم عادی چیزی نمی‌بیند نفوذ می‌کند و زندگی محدود و کوتاه خویش را از طریق تاریخ با زندگی گذشتگان و با زندگی طولانی گذشته انسانیت پیوند دهد و آن را عمیق‌تر و پرمعناتر کند (زرین کوب، ۱۳۸۱).

از آنجا که تاریخ آیین گذشتگان است ارزش‌ها و هنجارهایی که شاکله وجودی ملت‌ها محسوب می‌شود را در تاریخ هر ملتی می‌توان یافت. در تأیید این نکته خیراندیش آورده است: «تاریخ هر ملتی بخشی مهم از هویت و موجودیت آن ملت به شمار می‌آید؛ بخشی حساس و سرنوشت ساز، آن چنان که انکار آن به هیچ وجه امکان پذیر نیست».

زرین کوب نیز در این باره می‌گوید: اگر ایده هر چیز را از روی تأثیری که در زندگی دارد بتوان قیاس کرد، تاریخ چون نشان می‌دهد که مردم پیش از ما چگونه زندگی می‌کرده‌اند. این فایده را دارد که به ما در زندگی کمک کند و راهنمای ما باشد مخصوصاً برای جوانان این فایده را دارد که آن‌ها را زودتر از معمول به سطح عصر خویش می‌رساند. در واقع تاریخ به ما می‌آموزد که زندگی ما به زندگی تمام افراد جامعه و قوم ما ارتباط دارد (زرین کوب، ۱۳۸۱). بنابراین، حفظ و حراست از تاریخ هر سرزمین وظیفه ملی مردم است، چرا که هویت افراد برگرفته از اتفاقاتی است که در طی زمان رخ داده است و اکنون بازتاب آن در رفتارهای ملت تجلی می‌یابد از این منظر می‌توان گفت که رسالتی سنگین بر دوش آحاد هر ملتی و خاصه بر دوش معلم است از این روست که آموزش‌های رسمی در نظام آموزش و پرورش هر کشوری رویکرد و اهداف برنامه‌های درسی خود را با جهت‌گیری‌های هویتی و مناسب آن جامعه تنظیم می‌کند. خیراندیش در این باره می‌گوید: «درحقیقت تاریخ یک ملت به منزله نسب‌نامه فرهنگی و اجتماعی است، زیرا وضع کنونی یک ملت حاصل رشته‌ای مستمر از تحول زندگی مردم آن به شمار می‌آید (خیراندیش، ۱۳۸۴). او سپس چنین نتیجه می‌گیرد «پس لازم است از تحریف و تخریب تاریخ خویش بپرهیزیم و با تأکید بر نقاط مثبت و قوت، ضمن گرامیداشت تاریخ گذشته، به نسل کنونی بیاموزیم که چگونه تاریخ‌ساز باشیم» (همان).

۳. جایگاه آموزش تاریخ در زندگی و اجتماع بشر

تاریخ به‌عنوان معلم عقل و احساس نقش مهمی در حیات جامعه بازی می‌کند. اطلاعات تاریخی یکی از مهم‌ترین ابعاد درک و فهم اجتماعی است که بدون آن انسان نمی‌تواند به کمال برسد. تاریخ با ذکر وقایع بزرگ، سرنوشت‌ها و سرگذشت‌های شگفت‌انگیز، اضطراب‌ها و موفقیت‌ها، فرصت‌های مغتنمی را در اختیار خواننده می‌گذارد تا از آن‌ها بیاموزد. در این باره ولتر معتقد است: «تاریخ فقط منحصر به شرح

جنگ‌ها و سلسله‌ی سلاطین و حکمرانان و وقایع آنان نیست، بلکه عبارت از وصف زندگی مردم گذشته با تمام معانی که از زندگی در نظر است، یعنی تمام جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی بشر». در واقع تاریخ، تجربه‌های گذشته را به تجربه‌های کنونی ما می‌افزاید و زندگی ما را پرمایه‌تر می‌کند. اتکا بر تجارب گذشته غالباً اخذ تصمیم را در زندگی آسان می‌کند. هر کس با بازنگری در خاطرات گذشته خود تا خودآگاه تاریخ را خرد زندگی خود می‌کند و در هر قدم خویش از آن ایده می‌گیرد (گال، ۱۳۴۸). در واقع آشنایی با تاریخ انسان را از بسیاری از فریب‌های حقارت‌آمیز و دلخوشی‌های بی‌حاصل باز می‌دارد و به انسان نگاهی عمیق و ریشه‌دار می‌دهد تا در ورای حوادث نفوذ کند و زندگی محدود و کوتاه خود را با زندگی گذشته عمیق‌تر و پر معنی‌تر سازد. بدین گونه با یادآوری اشتباه‌های گذشته، تاریخ می‌تواند انسان را از تکرار آن‌ها باز دارد (زرین‌کوب، ۱۳۷۵).

تأکید بر درس تاریخ در تمامی کشورهای جهان به‌عنوان جزئی اساسی از برنامه‌ی آموزشی به همین دلیل است که هیچ قسمت از فرهنگ یک جامعه به اندازه‌ی تاریخ در هویت بخشی مؤثر نیست. در شرایط کنونی فرهنگ در جامعه‌ی جهانی که هویت ملی با شرایط نوینی روبه‌رو شده است آموزش تاریخ سرمایه بزرگی برای حفظ هویت ملی به حساب می‌آید (اعتصامی، ۱۳۸۵). بر این اساس آموزش و پرورش به‌عنوان نوعی نهاد پویای اجتماعی و فرهنگی عهده‌دار رسالت سترگ هویت‌یابی برای نسل امروز است. یکی از عوامل مؤثر در فرایند هویت‌یابی نسل کودک و نوجوان، تبیین و تحلیل صحیح واقعیت‌های تاریخی در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی است تا بتوان با تکیه بر آن از طریق شناخت پر فراز و نشیب تاریخی کشور، چگونگی حرکت به سوی آینده را رقم زد (رون، ۱۳۹۰).

۴. اهمیت و جایگاه درس تاریخ در کشور و در میان سایر دروس

تاریخ یکی از خواندنی‌ترین موضوعات است که هر کس قادر است با مطالعه‌ی آن به راز و نشیب زندگی و سرگذشت گذشتگان خود دست یابد. خوانندگان کتاب تاریخ با مطالعه‌ی آن، نسل‌های پیش از خود را می‌شناسند و تاریخ همچون پلی مستحکم میان گذشته، حال و آینده است و به عبارتی با اهمیت‌ترین علمی است که بشر از آن می‌تواند بهره‌برداری کند (هاشمی، ۱۳۵۸: ۶). این درس از نظر آموزشی هم یکی از درس‌های مهم آموزش و پرورش از دوره‌ی ابتدایی تا پایان متوسطه و پیش‌دانشگاهی می‌باشد. با این وجود بنا به دلایل متعدد، از جمله نداشتن درک درست از اهمیت و جایگاه آن در تربیت و پرورش نسل‌های آینده، این درس مورد توجه ویژه و در ردیف درس‌هایی چون فیزیک، شیمی یا حتی ادبیات فارسی قرار ندارد. مدیران مدارس، اولیای دانش‌آموزان و خود دانش‌آموزان، در خیلی از موارد از آن به‌عنوان درسی نمره‌آور که تا حد امکان باید قبولی دانش‌آموزان را بالا ببرد نگاه می‌کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۲).

بی‌توجهی و عدم علاقه به درس تاریخ از یکسو به نگرش حاکم بر جامعه باز می‌گردد که در آن رشته تاریخ به دلیل نداشتن بازار کار خوب و نداشتن پرستیژ عالی، مورد بی‌مهری قرار گرفته است و از سوی دیگر به محتوا و نحوه‌ی آموزش درس تاریخ بر می‌گردد که هم بر پایه‌ی تکرار وقایع و رویدادها استوار است و هم دانش‌آموزان باید مطالبی را که در دوره‌ی راهنمایی فرا گرفته‌اند دوباره در دوره‌ی دبیرستان بخوانند بدون آنکه مطالب جدیدتری در برداشته باشد (علم و بابادی، ۱۳۹۴).

از سویی مسئولین اجرایی مدارس هم به در حاشیه ماندن درس تاریخ کمک می‌کنند. درس تاریخ در بعضی از مدارس به قطعه‌ای از پازل برای مرتب کردن برنامه درسی مدارس تبدیل شده است. در واقع درس تاریخ به برنامه‌ای تبدیل شده که می‌تواند روی آن حساب نکنند و آن را به علم دیگری که کسری

ساعت دارد، بدهند. همچنین تدریس تاریخ به معلمان غیرمتخصص محول می‌شود که نمی‌توانند رسالت واقعی معلم تاریخ را ایفا کنند. در چنین حالتی در نتیجه تاریخ به سوال و جواب‌هایی تبدیل خواهد شد که دانش‌آموز می‌تواند بدون حضور معلم و تنها با اکتفا به کتاب‌های کمک درسی آن را بخواند.

در اینباره سلیمی (۱۳۹۰) اعتقاد دارد: «در واقع از مهم‌ترین مشکلاتی که باعث سقوط درس تاریخ در کشورمان شده نگرش جامعه به درس تاریخ است در حقیقت نگاه آنی به نفع‌رسانی این رشته به آن آسیب می‌زند. امروزه رشته‌هایی مورد پذیرش و توجه هستند که در آینده درآمد بیشتری داشته باشند. دانش‌آموزان از این غافلند که این درس نفع آنی دارد نه نفع آنی، و آن‌ها را با هویت، آداب و رسوم و سنن‌شان آشنا می‌کند». بنابراین والدین و مسئولین باید توجه کنند که برنامه‌ریزی درسی و کتاب‌های درسی و بالأخص درس تاریخ در شکل‌دهی هویت ملی و دینی دانش‌آموزان نقش اساسی دارد.

۵. برنامه درسی تاریخ

برنامه درسی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام آموزش و پرورش نقش محوری در شکل‌گیری هویت ملی ایفا می‌کند. برنامه درسی یکی از عناصر مهم آموزش و پرورش است که در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان یک جامعه نقش اساسی را بر عهده دارد. برنامه درسی یک واژه آشنا و قریبی است که در نظر اول، بدیهی و روشن می‌نماید، اما در حقیقت دارای پیچیدگی‌های خاصی است به طوری که تعاریف مختلفی از برنامه درسی ارائه شده است که هر کدام، به موارد خاصی اشاره می‌کند و برخی موارد را مورد غفلت قرار می‌دهند در واقع، یک تعریف صریح و مورد توافق برای این واژه وجود ندارد و علت این امر نیز نوپا بودن برنامه درسی است. با این وجود برای روشن‌تر شدن مبحث به چند تعریف از برنامه درسی اشاره می‌شود:

تابا (۱۹۶۲: ۱۰) به‌عنوان یکی از صاحب‌نظران عرصه‌ی تعلیم و تربیت معتقد است: «یک برنامه درسی، بیش از هر چیز به نحوه‌ی آماده‌سازی نسل جوان یک جامعه به صورت افرادی سازنده و مفید برای آن جامعه تلقی می‌شود (به نقل از لقمان نیا و خامسان، ۱۳۸۹: ۱۴۹). سیلور، الکساندر و لوئیس معتقدند برنامه درسی «طرحی است جهت آماده کردن مجموعه‌ای از فرصت‌های یادگیری برای افراد تحت تعلیم» (به نقل از خویی نژاد، ۱۳۸۰: ۴۰).

بوییت معتقد است، برنامه درسی عبارت است از: فعالیت‌هایی که کودکان و نوجوانان باید انجام دهند تا توانایی انجام فعالیت‌های ضروری برای زندگی بزرگسالی در آن‌ها به وجود آید (ملکی، ۱۳۹۰). فتحی و اجارگاه (۱۳۸۸) نیز در کتاب خود به برخی از برداشت‌های متفاوت در رابطه با مفهوم برنامه درسی اشاره می‌کنند: از جمله، کینگ (۱۹۸۱) معتقد است: برنامه درسی معادل مجموعه‌ای از اهداف و نتایج یادگیری مورد انتظار است. در این برداشت برنامه درسی به تعیین اهداف و نتایج یادگیری محدود شده است و نیز هولمز (۱۹۹۱) می‌گوید: برنامه درسی، برنامه رسمی مدارس بوده، مشتمل بر فعالیت‌های فراکلاسی نظیر دعا، نیایش‌های صبحگاهی، مجالس و ملاقات‌های خارج از کلاس درس است.

زایس (۱۹۷۶) معتقد است برنامه درسی مجموع وسیعی از شیوه‌های تفکر درباره تجربیات بشر است و آنچه که در این فرایند مهم است نه یادگیری نتایج و میراث فرهنگی بلکه فرایند تفکر می‌باشد. این تعریف از برنامه درسی دربرگیرنده تمامی دیدگاه‌هایی است که بر شیوه یادگیری در برنامه درسی تأکید دارند. تن‌ساز و قوچیان (۱۳۷۴) نیز برنامه درسی را «فرایند مفهومی کردن پدیده‌های مربوط به انسان و جهان در یک قالب مدون جهت تسهیل در یادگیری تعریف می‌کنند (تن‌ساز و قوچیان، ۱۳۷۴: ۷۴).

بر این اساس با دو تعریف سنتی و نوین از برنامه درسی مواجه می‌شویم. تعریف برنامه درسی متناسب با وجوه تمثیل و ریشه لغوی این واژه (currere) معرف برداشت سنتی از برنامه درسی شناخته می‌شود که بر مجموعه‌ای از تصمیم‌های از پیش گرفته شده و مسیر شناخته شده‌ای که یادگیرندگان براساس تشخیص برنامه‌ریزان باید طی کنند تکیه دارد. تعریف دوم از برنامه درسی تعریف نوین آن است و متعلق به مربیان پیشرفت‌گراست. آن‌ها برنامه درسی را عبارت از تجربه‌های یادگیری دانش‌آموزان قلمداد می‌کنند و تصمیم‌گیری دیگران برای دانش‌آموزان را به طور کلی مردود شمرده یا دست کم برای آن‌ها اهمیت ثانوی قائل‌اند (مهرمحمدی، ۱۳۹۰).

با این همه با توجه به سیستم متمرکز در آموزش و پرورش ایران، در این پژوهش به دیدگاه سنتی برنامه درسی توجه می‌شود. طبق این دیدگاه برنامه درسی عبارت است از آنچه می‌باید به دانش‌آموزان تدریس شود و یا به عبارت دیگر برنامه درسی عبارت است از محتوا یا آنچه باید تدریس و یاد گرفته شود (خویی نژاد، ۱۳۸۳).

در این میان برنامه درسی تاریخ به دلیل اهمیتی که در زندگی افراد جامعه در جهت شکل‌دهی هویت ملی آن‌ها دارد و از سویی سبب می‌شود جوانان در پاسداشت و حفظ فرهنگ جامعه تلاش کنند و از فرهنگ‌پذیری از جوامع بیگانه دوری کنند از اهمیت بالایی برخوردار است. به نحوی که برنامه درسی تاریخ باید از حالت تدریس یکسویه خارج شده و این فرصت را به دانش‌آموزان بدهد که خود به شناخت و درک صحیح از سیر تحول تاریخی در کشور برسند.

۶. نتیجه‌گیری

یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت برنامه‌ریزی می‌باشد که با توجه به شرایط نیاز یادگیرندگان انجام می‌شود از سویی درس تاریخ با توجه به نقش ویژه‌ای که در امر هویت بخشی به نسل آینده بر عهده دارد از جایگاهی ویژه در مسیر برنامه‌ریزی برخوردار است. با توجه به جایگاه و اهمیت درس تاریخ ضروری است تا به اهداف، محتوا و روش تدریس این درس با دیدی بازتر توجه شود تا این درس جایگاه مطلوب خود را به دست آورد. با تحصیل پیوند با گذشته و تحصیل دانش و کسب تجربیات گذشتگان می‌توان آینده را شکل دهیم. با این دریافت که راه آینده از گذشته می‌گذرد بررسی حوادث و اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ملل گذشته که در فرایند گسترده‌ای به نام تاریخ شکل گرفته است آگاهی‌های جامعی را به ما می‌بخشد که با تحلیل آن رویدادها و کسب تجربه از آن‌ها و نیز عینیت بخشیدن به آن‌ها راه آینده روشن می‌شود. دانش‌آموزان آینده‌سازان هر مرز و بوم هستند، آن‌ها باید بدانند بهتر است گذشته را بشناسند و بفهمند تا بتوانند به آینده توجه کنند و به آن اهمیت دهند چون قرار است باقی عمرشان را در آن بگذرانند. تاریخ افق دید دانش‌آموزان را گسترش می‌دهد و غفلت از آن موجب انفعال و ناتوانی در دآوری‌های صحیح و ارزیابی درست تحولات جهانی می‌شود آشنایی با مسائل تاریخی ایران و جهان، ابزاری کارآمد در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد تا به وسیله آن جایگاه متفاوت خود را بین دیگر ملل جهان بهتر ارزیابی کنند و با روشی منطقی، به تبیین پیروزی‌ها و ناکامی‌های گذشته بپردازند.

منابع

- احمدی، پروین (۱۳۹۱)، «جزوه درس برنامه‌ریزی درسی»، دانشگاه الزهراء.
- تن ساز، ف؛ قورچیان، ن (۱۳۷۴)، *سیمای روند تحولات برنامه درسی به‌عنوان یک رشته تخصصی از جهان باستان تا جهان امروز*، تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.

- خویی نژاد، غلامرضا (۱۳۸۳)، «تعریف برنامه درسی» در برنامه درسی، نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، ویراستار محمود مهر محمدی، تهران: سمت.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۸۴)، «آموزش رسمی تاریخ: ضرورت‌ها و تنگناها»، مجله رشد آموزش تاریخ، دوره ۶، شماره ۳، دفتر انتشارات کمک آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- رون، امیر (۱۳۹۰)، «میزان رعایت معیارهای عام در انتخاب و سازماندهی محتوای کتاب درسی دوره ابتدایی نظام آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، انجمن مطالعات برنامه درسی، سال ششم، شماره ۲۲.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۱)، تاریخ در ترازو، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- علم و بآبادی (۱۳۹۴)، «آسیب شناسی تدریس تاریخ»، مجله رشد آموزش تاریخ، دوره ۱۷، شماره اول.
- فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۸۸)، اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی، تهران: بال.
- گال، رژه (۱۳۸۴)، تاریخ تربیت، ترجمه محمد مشایخی، تهران: بی‌نام.
- لقمان نیا و خامسان (۱۳۸۹)، فرایند برنامه ریزی آموزشی، مترجم فریده مشایخ، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات مدرسه.
- ملکی، حسن (۱۳۹۰)، برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)، چاپ شانزدهم، تهران: پیام اندیشه.
- مهدی زاده، احمد (۱۳۸۵)، مجله رشد آموزش تاریخ، شماره ۲۵، دفتر انتشارات کمک آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- مهر محمدی، محمود (۱۳۹۰)، برنامه درسی نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، ویراست دوم، تهران: سمت.
- هاشمی، حمید (۱۳۸۵)، تاریخ ایران از آغاز تا عصر حاضر، انتشارات فرهنگ و قلم.